



دانشکده: علوم سیاسی ، اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : علوم سیاسی

عنوان :

سازوکارهای انتقاد سیاسی در حکومت اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی و آیت الله خامنه ای

استاد راهنما :

حجت الاسلام و المسلمین دکتر داوود مهدوی زادگان

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا شریعتمداری

نگارش :

خدابخش عبدلی

زمستان 1390

تقدیم به :

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی **حضرت امام خمینی (ره)** که با رهبری داهیانه خویش این انقلاب را به پیروزی رساندند و نظام سیاسی مبتنی بر نظریه مترقی ولایت فقیه را در کشورمان بنیانگذاری نمودند و رهبر فرزانه مان **حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه العالی)** که سکاندار مدبر این سفینه نجات و فلاح هستند.

تقدیر و تشکر :

با تقدیر و تشکر از استاد محترم راهنما جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر داوود مهدوی زادگان و استاد محترم مشاور جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا شریعتمدار که در طول تحقیق از هیچ گونه راهنمایی دریغ ننموده و با صبر و تحمل، مرا یاری کردند.

چکیده :

در پژوهش حاضر ، به این سؤال پاسخ داده می شود که سازوکارهای انتقاد سیاسی در حکومت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه ای چیست. در پاسخ، فرضیه ای مطرح شده که برگرفته از متون دینی ، دیدگاهها و بیانات امام خمینی و آیت الله خامنه ای می باشد و آن اینکه انتقاد سیاسی می تواند در قالب های مختلفی چون «امر به معروف و نهی از منکر» و نیز در قالب «نصیحت» و «مشورت» صورت پذیرد. طبیعتاً با توجه به آسیب های فراوانی که حیطة قدرت و سیاست را تهدید می کند لذا نگاه های نقادانه و تیزبین که در موقع مناسب خود ، به گوشزد کردن نقاط لغزش به حاکمان مملکت اسلامی بپردازند به کمک طلبیده می شوند. تحقیق حاضر تلاش کرده است با بیان شالوده ها و بنیان های اساسی، ضرورت نقد و انتقاد در عرصه مهم سیاست و حکومت را مورد بررسی قرار دهد و در این میان به مباحثی چون «آزادی» و «مردم سالاری دینی» و «استبداد ستیزی» ، «مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن» پرداخته و مرزهای انتقاد، شناسایی و خطوط قرمز آن مورد تبیین واقع شده است. نتیجه اینکه می توان در قالبهای پرمحتوا و باظرفیتی چون «امر به معروف و نهی از منکر» و با تصویب قوانین لازم برای اجرایی کردن اصل هشتم قانون اساسی و نیز زمینه سازی صحیح برای حضور رسانه های گروهی مثل روزنامه ها و مطبوعات و نیز سایتهای مختلف خبری و تحلیلی و تشکلات حزبی و انجمن های مردم نهاد، در راستای جامعه عمل پوشاندن به اصول 26، 24 و 27 قانون اساسی، بستر لازم برای تحقق سازوکارهایی چون «نصیحت» و «مشورت» و ابراز و انعکاس دیدگاه های انتقادی از حکومت اسلامی را فراهم نمود. امری که در دوره حاکمیتی هرچند کوتاه پیشوایان معصوم(ع) من جمله حضرت علی(ع) بارها ملاحظه می شود.

کلمات کلیدی: انتقاد سیاسی، مبانی انتقاد، سازوکار، اخلاق انتقاد، امام خمینی، آیت الله خامنه ای

فهرست مطالب:

1	طرح تحقیق
2	1- بیان مسأله :
2	2- علت اهمیت و فایده آن
3	3- سابقه تحقیق :
3	4- اهداف تحقیق :
4	5- سؤال اصلی تحقیق :
4	6-سؤالات فرعی :
4	7- فرضیه های تحقیق :
5	8- پیش فرض های تحقیق :
5	9- روش انجام تحقیق : تحلیلی- توصیفی
5	10- روش گرد آوری اطلاعات : کتابخانه ای
5	11- سازمان دهی تحقیق :
7	فصل اول :
7	مفاهیم و کلیات
7	مفهوم انتقاد
7	مفهوم حکومت اسلامی
8	چارچوب نظری
14	مفهوم انتقاد
15	انتقاد در اصطلاح
18	مفهوم حکومت اسلامی

- Error! Bookmark not defined..... فصل دوم :
- Error! Bookmark not defined..... مبانی انتقاد سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... آزادی
- Error! Bookmark not defined..... انواع آزادی
- Error! Bookmark not defined..... آزادی در اسلام
- Error! Bookmark not defined..... مصادیق آزادی
- Error! Bookmark not defined..... قلمرو آزادی و معیارهای آن
- Error! Bookmark not defined..... رابطه آزادی و انتقاد سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... آزادی سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... مصادیق آزادی سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... قلمرو آزادی سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... انتقاد سیاسی و نظام ولایی
- Error! Bookmark not defined..... مبانی آزادی سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... 1 - خلافت الهی
- Error! Bookmark not defined..... 2 - امامت و رهبری
- Error! Bookmark not defined..... 3 - ظلم زدایی و استکبار ستیزی
- Error! Bookmark not defined..... 4 - آزادی همراه با مسئولیت و حق انتخاب
- Error! Bookmark not defined..... ارکان آزادی سیاسی
- Error! Bookmark not defined..... 1 - حق آگاهی
- Error! Bookmark not defined..... 2 - نظارت
- Error! Bookmark not defined..... مردم سالاری دینی و استبدادستیزی

- Error! Bookmark not defined.**..... مردم سالاری دینی و انتقاد سیاسی
- Error! Bookmark not defined.**..... مردم سالاری
- Error! Bookmark not defined.**..... تکیه بر مردم سالاری
- Error! Bookmark not defined.**..... مردم سالاری دینی
- Error! Bookmark not defined.**..... مزیت های مردم سالاری دینی
- Error! Bookmark not defined.**..... 1. حاکمیت خدا و دین
- Error! Bookmark not defined.**..... 2. ضوابط و شرایط ویژه
- Error! Bookmark not defined.**..... 4. تکیه بر آگاهی و بینش مردم
- Error! Bookmark not defined.**..... اهرم های کنترلی
- Error! Bookmark not defined.**..... 5-تأکید بر شاخصه آزادی مخالف
- Error! Bookmark not defined.**..... استبداد ستیزی
- Error! Bookmark not defined.**..... رابطه انتقاد و استبداد ستیزی
- Error! Bookmark not defined.**..... نقد حاکمان و ممانعت از فساد
- Error! Bookmark not defined.**..... مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن
- Error! Bookmark not defined.**..... مفهوم پاسخگویی
- Error! Bookmark not defined.**..... جایگاه و اهمیت پاسخگویی
- Error! Bookmark not defined.**..... پاسخگویی، وظیفه ای همگانی
- Error! Bookmark not defined.**..... مسئولیت خواهی، ملاک واگذاری کار
- Error! Bookmark not defined.**..... گونه ها و شیوه های پاسخگویی
- Error! Bookmark not defined.**..... 1-گزارش به مردم
- Error! Bookmark not defined.**..... 2-استقبال از نقد

- 3-ارتباط دائم و بی واسطه با مردم.....**Error! Bookmark not defined.**
- 4-گزارش گیری و حسابرسی کارگزاران.....**Error! Bookmark not defined.**
- پیشوای پاسخگو.....**Error! Bookmark not defined.**
- عوامل بازدارنده پاسخگویی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1 - رفتارهای چاپلوسانه و سازش کارانه.....**Error! Bookmark not defined.**
- 2 - استبداد رأی.....**Error! Bookmark not defined.**
- 3 - احتجاج.....**Error! Bookmark not defined.**
- فصل سوم :.....**Error! Bookmark not defined.**
- سازوکار های انتقاد سیاسی.....**Error! Bookmark not defined.**
- مقدمه.....**Error! Bookmark not defined.**
- امر به معروف و نهی از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**
- نهی از منکر و انتقاد.....**Error! Bookmark not defined.**
- فضیلت امر به معروف و نهی از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**
- امر به معروف برتر از جهاد.....**Error! Bookmark not defined.**
- امر به معروف و نهی از منکر، نوعی از جهاد.....**Error! Bookmark not defined.**
- تشویق به امر به معروف و نهی از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**
- دستور به اجرای امر به معروف و نهی از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**
- اظهار رضایت از آمرین به معروف و ناهین از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**
- منع از ترک امر به معروف و نهی از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**
- ترک امر به معروف و آثار آن.....**Error! Bookmark not defined.**
- 1-تسلط بدکاران نتیجه ترک امر به معروف و نهی از منکر.....**Error! Bookmark not defined.**

- 2- از دست دادن نیروی تشخیص..... Error! Bookmark not defined.
- شکایت از تارکان امر به معروف و نهی از منکر..... Error! Bookmark not defined.
- امر به معروف و نهی از منکر در آخرالزمان..... Error! Bookmark not defined.
- فلسفه امر به معروف و نهی از منکر و آثار آن..... Error! Bookmark not defined.
- 1- امر به معروف و نهی از منکر، مایه اصلاح عوام..... Error! Bookmark not defined.
- 2- پابرجایی شریعت و توانمندی مؤمنان..... Error! Bookmark not defined.
- مراتب امر به معروف و نهی از منکر..... Error! Bookmark not defined.
- ذم آمران بی عمل..... Error! Bookmark not defined.
- نصیحت..... Error! Bookmark not defined.
- مفهوم نصیحت..... Error! Bookmark not defined.
- مشورت..... Error! Bookmark not defined.
- مشورت با مردم در روایات..... Error! Bookmark not defined.
- لزوم مشورت دولتمردان..... Error! Bookmark not defined.
- روش مشورت..... Error! Bookmark not defined.
- صفات و ویژگیهای مشاور..... Error! Bookmark not defined.
- علامت و نشانه مشورت صحیح..... Error! Bookmark not defined.
- مشورت با مخالف..... Error! Bookmark not defined.
- فصل چهارم:..... Error! Bookmark not defined.
- اخلاق انتقاد سیاسی..... Error! Bookmark not defined.
- نقدپذیری..... Error! Bookmark not defined.
- پارسایی در نقد..... Error! Bookmark not defined.

- Error! Bookmark not defined.**.....شرایط زمان و مکان
- Error! Bookmark not defined.**.....ویژگیهای انتقاد سالم
- Error! Bookmark not defined.**.....1-انتقاد نه انتقام
- Error! Bookmark not defined.**.....2-پاسداشت حرمت دیگران
- Error! Bookmark not defined.**.....مرزهای انتقاد
- Error! Bookmark not defined.**.....1-قانون اساسی
- Error! Bookmark not defined.**.....2-محور نظام (ولایت فقیه)
- Error! Bookmark not defined.**.....3-امنیت ملی
- Error! Bookmark not defined.**.....4-وحدت ملی و روح امید
- Error! Bookmark not defined.**.....5-باورها و ارزشهای پایدار دینی
- Error! Bookmark not defined.**.....علی(ع) و نحوه برخورد با منتقد
- Error! Bookmark not defined.**.....نقدپذیری حاکمان
- Error! Bookmark not defined.**.....جمع بندی و نتیجه گیری
- Error! Bookmark not defined.**.....فهرست منابع و مآخذ

طرح تحقیق

1- بیان مسأله :

آن چنانکه از آموزه های دین مبین اسلام بر می آید اسلام مکتبی است که در صدد تشکیل حکومت و به دست گرفتن مدیریت های کلان جامعه از جنبه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می باشد. باتوجه به اینکه حکومت، امر خطیری بوده و با قدرت رابطه تنگاتنگ دارد لذا می تواند در معرض آسیب ها و مخاطرات گوناگونی قرار گیرد بدین جهت و به منظور حفظ چارچوب های معین شده توسط شارع مقدس، ابزارها و عوامل کنترلی لحاظ گردیده که متصدیان حکومتی و حاکمان جامعه را مورد نظارت قرار دهد و عملکرد آنها را ارزیابی نماید و این امر به ارتقای حاکمیت از حیث مدیریتی مدد خواهد رساند و توان و ظرفیت حکومت را توسعه خواهد داد. اگر این کار جنبه درون ساختاری داشته و به شکل خودکنترلی و از درون جامعه اسلامی بروز نماید باعث جلوگیری از آسیب های جدی در حکومت خواهد شد و بازبینی امور و ارزیابی و بازسازی، اصلاح و رفع نقایص در مواقع لازم صورت خواهد پذیرفت. این پژوهش قصد دارد ضمن تبیین جایگاه انتقاد در امور سیاسی و حاکمیتی به تبیین و تنقیح شیوه ها و روش های انتقاد و روال مورد تجویز پردازد و تلاش می کند به این سؤال پاسخ دهد که با چه سازوکارهایی می توان به انتقاد سیاسی از حکومت اسلامی پرداخت چه اینکه پژوهش حاضر، انتقاد را امری ضروری دانسته که به رغم حاکمیت های تمامیت خواه با اقبال حاکمان صالح مواجه خواهد شد و در این میان به چهره دوگانه انتقاد یعنی انتقاد سازنده و انتقاد مخرب پرداخته می شود. در پایان لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که انتقاد صرف پرسش و پرسش گری نیست بلکه انتقاد مقرون با مطالبه می باشد. این تحقیق بر آن است که از آرا و نظرات امام خمینی و آیت الله خامنه ای بهره جوید. امید است با منقح ساختن جایگاه انتقاد و شیوه های مناسب آن، روال لازم برای طرح انتقاد وضوح بیشتری پیدا کند و جایگاه منتقدان و مخالفان نظام سیاسی اسلام مشخص گردد.

2- علت اهمیت و فایده آن :

- مشخص شدن مرزهای انتقاد سازنده از انتقاد مخرب

- تبیین شیوه های انتقاد سیاسی

- متداول سازی شیوه های انتقاد سیاسی صحیح و تقویت روحیه انتقادگرایی به عنوان ابزار موثر کنترلی

3 – سابقه تحقیق :

در زمینه موضوع این پژوهش می توان به کتاب ها و پژوهش های ذیل اشاره نمود :

« آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری و بهشتی » نوشته شریف لک زایی

«انتقاد و انتقادپذیری» نوشته حسن اسلامی

«حکومت دینی و حق انتقاد» نوشته حسن اسلامی

«درس هایی از امام: آداب انتقاد» نوشته رسول سعادت‌مند

«کنترل قدرت و نظارت بر آن از دیدگاه امام» نوشته آیت اله عبدپور

«گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران» نوشته حسین جوان آراسته

«مبانی فقهی نظارت شهروندان به حاکمان با تأکید بر نظر امام خمینی» نوشته قاسم جعفری

«نظارت بر قدرت در فقه سیاسی» نوشته سجاد ایزدهی

«نظارت و نهاد نظارتی» نوشته محسن ملک افضلی اردکانی

اگر چه کتاب ها و پژوهش های متعدد دیگری نیز راجع به نظارت بر قدرت و اپوزیسیون در حکومت ها و سازوکارهای انتقاد از دیدگاه اسلام نگارش یافته لکن از زاویه ای که این تحقیق به دنبال منقح ساختن آن می باشد پژوهش مستقیم و مستقلى صورت پذیرفته است. هنجارین به صورت منسجم و محوری، آرا و نظرات امام خمینی و آیت الله خامنه ای مورد کاوش واقع نشده است.

4 – اهداف تحقیق :

همان طور که در بخش قبل گفته شد این تحقیق به تبیین جایگاه انتقاد سیاسی در حکومت اسلامی با تأکید بر آرای امام خمینی و آیت الله خامنه ای می پردازد و در صدد توانمند سازی و کاربردی کردن و علمی نمودن روال انتقاد و شیوه های آن می باشد یعنی ایجاد جایگاه شایسته برای انتقاد سیاسی که با تفکیک جنبه سازنده از جنبه مخرب آن صورت می گیرد. این پژوهش از آنجا ضرورت دارد که بعد از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی در کشورمان و تنومند شدن درخت انقلاب و ثبات حکومت

اسلامی، طبیعتا و به گواه تاریخ، همچون حکومت های مختلف ممکن است دچار نقایص بوده و یا به آسیب هایی مبتلا شود که در صورت وجود فضای انتقادی سالم و انعکاس آرا و نظرات در حوزه جامعه دینی، از شدت آسیب ها کاسته می شود. همان طوری که پس از فروپاشی نظام کمونیستی در بلوک شرق، غریبها با بازبینی روند فروپاشی، به رفع نقایص و بررسی آسیب های نظام لیبرالی-کاپیتالیستی حاکم پرداختند و توانستند دوره حاکمیتی خویش را به لحاظ بازه زمانی و گستره مکانی، توسعه دهند.

5- سؤال اصلی تحقیق :

سازوکارهای انتقاد سیاسی در حکومت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه ای چیست؟

6- سؤالات فرعی :

الف- از دیدگاه اسلام آیا انتقاد در حوزه امور سیاسی و حاکمیتی امری مجاز شمرده می شود؟

ب- انتقاد سیاسی در اسلام از چه مبانی ای نشأت می گیرد؟

ج- چه شیوه ها و روالی برای بیان و ابراز انتقاد در عرصه سیاسی دیده شده است؟

د- حد و مرزها و آدابی که یک منتقد سیاسی باید مورد توجه و مراعات قرار دهد کدامند؟

7- فرضیه های تحقیق :

پژوهش حاضر بر این گمان است که از دیدگاه اسلام، انتقاد از حکومت و حاکمان امری جایز و بلکه لازم و ضروری بوده و مایه دوام و بقای حکومت می باشد لکن دارای شیوه ها، حدود و روالی می باشد که می توان این شیوه ها و روش ها را در دیدگاهها و بیانات امام خمینی و آیت الله خامنه ای ملاحظه نمود و از آن جمله به سازوکارهایی چون «امر به معروف و نهی از منکر»، «نصیحت» و «مشورت» اشاره نمود. از دیدگاه پژوهشگر، مخصوصا حاکمان صالح باید خود را در معرض نقد و نظارت قرار دهند. البته انتقاد دارای دو چهره کاملا متفاوت می باشد. انتقادی که به صورت ناصحانه و مشفقانه و به منظور مساعدت به عوامل حکومتی ابراز می گردد که از آن به عنوان "انتقاد سازنده" یاد می شود و انتقادی که به منظور تخریب و

تضعیف حاکمیت صورت می پذیرد. شرایط و بستر طرح انتقاد و نحوه ابراز آن نقش موثری در شناخت سازنده یا مخرب بودن انتقاد بازی می کند. پژوهش حاضر در چهار بخش به این بحث سامان داده است: مفاهیم و کلیات، مبانی انتقاد، سازوکارهای انتقاد، اخلاق انتقاد.

8 – پیش فرض های تحقیق :

به نظر می رسد روش های برخورد با منتقدین نه از حیث ملایمت و نه از حیث شدت برخورد با تجویزات دینی در زمینه انتقاد تطابق ندارد و جنبه افراط یا تفریط به خود می گیرد و مرز میان منتقد ناصح با مخالف معاند از شفافیت برخوردار نیست. بدیهی است با روشن شدن سازوکارهای انتقاد سیاسی و نیز تبیین مرزهای انتقاد سیاسی، می توان منتقد ناصح را از مخالف معاند باز شناخت. همچنین نگارنده با فرض ضروری بودن وجود انتقاد سیاسی و لزوم ایجاد فضای انتقادی در سطح جامعه و مخصوصاً قشر نخبگان جامعه، به دوگانگی چهره انتقاد سیاسی یعنی سازنده یا مخرب بودن انتقاد نظر دارد. واضح است که وجود فضای باز سیاسی و استقبال از نظرات منتقدین در عرصه حکومتی، به پیشرفت و شکوفایی روزافزون جامعه اسلامی منجر خواهد شد و این مهم با شناسایی نقاط ضعف منعکس شده در نقدهای سیاسی و اهتمام در رفع آنها حاصل خواهد شد.

9 – روش انجام تحقیق : تحلیلی – توصیفی

10 – روش گرد آوری اطلاعات : کتابخانه ای

10-1. ابزار گرد آوری اطلاعات : فیش برداری

11 – سازمان دهی تحقیق :

این تحقیق در یک مقدمه و چهار فصل سازمان یافته است. مقدمه شامل طرح تفصیلی می باشد و در فصل اول مفاهیم و کلیات، بررسی و تبیین شده و به مفاهیمی چون انتقاد سیاسی و حکومت اسلامی پرداخت گردیده است. فصل دوم به بیان مبانی انتقاد سیاسی با استفاده از متون دینی و سیره حکومتی معصومین (ع) و نیز دیدگاههای امام خمینی و آیت الله خامنه ای پرداخته و در فصل سوم با لحاظ این بنیان ها و بسترهای

موجود، به تبیین سازوکارهای مورد نظر محقق برای انعکاس و ارائه دیدگاههای انتقادی در عرصه سیاسی اهتمام شده است. فصل چهارم نیز موضوع اخلاق انتقاد سیاسی و مرزهای انتقاد سیاسی را مورد توجه قرار داده است.

فصل اول :

مفاهیم و کلیات

مفهوم انتقاد

مفهوم حکومت اسلامی

چارچوب نظری

آن چنانکه از آموزه های دین مبین اسلام بر می آید اسلام مکتبی است که در صدد تشکیل حکومت و به دست گرفتن مدیریت های کلان جامعه از حیث های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می باشد. باتوجه به اینکه حکومت امری خطیر بوده و با قدرت رابطه تنگاتنگ دارد لذا می تواند در معرض آسیب ها و مخاطرات گوناگونی قرار گیرد بدین جهت و به منظور حفظ چارچوب های معین شده توسط شارع مقدس، ابزارها و عوامل کنترلی لحاظ گردیده که متصدیان حکومتی و حاکمان جامعه را مورد نظارت قرار دهد و عملکرد آنها را ارزیابی نماید و این امر به ارتقای حاکمیت از حیث مدیریتی مدد خواهد رساند و توان و ظرفیت حکومت را توسعه خواهد داد. امام خمینی انتقاد را مانع و سدی در برابر زیاده خواهی های مصادر قدرت و ابزاری در جهت کنترل تاخت و تازهای ظالمانه حاکمان می داند. ایشان در نامه ای که به جهت حمایت از سخنرانی های افشاگرانه مرحوم فلسفی علیه رژیم طاغوت مرقوم شده است می نویسند:

در هر صورت جنابعالی نباید به این چیزها سنگر را خالی کنید. مفسدین همیشه می خواهند امثال جنابعالی را از میدان بیرون کنند تا هر تاخت و تازی بخواهند بکنند و انتقادی در کار نباشد.¹

باید توجه داشت که اگر در جامعه اسلامی، انتقاد جنبه درون ساختاری داشته و به شکل خودکنترلی و از درون جامعه بروز نماید باعث جلوگیری از آسیب جدی در حکومت خواهد شد و بازبینی امور و ارزیابی و بازسازی و اصلاح و رفع نقایص در مواقع لازم صورت خواهد پذیرفت. این پژوهش قصد دارد ضمن تبیین جایگاه انتقاد در امور سیاسی و حاکمیتی به تبیین و تنقیح شیوه ها و روش های انتقاد و روال مورد تجویز بپردازد چه اینکه، انتقاد امری ضروری می باشد که به رغم حاکمیت های تمامیت خواه باید با اقبال حاکمان صالح مواجه خواهد شود. از دیدگاه امام، در ارزیابی که از حکومت اسلامی ارائه می دهند حکومت اسلامی، حکومتی است متکی به رأی مردم که خود را در معرض انتقاد عمومی قرار می دهد²

بدیهی است چهره دوگانه انتقاد یعنی انتقاد سازنده و انتقاد مخرب از دید محقق دور نمانده و به عنوان یکی از شاخص های مهم در امر نقد، مد نظر قرار می گیرد. امام خمینی در دیداری که با نمایندگان مجلس شورای اسلامی داشتند در فرازهایی از بیاناتشان به نکاتی راجع به انتقاد سازنده و سالم اشاره نمودند :

روح الله الموسوی الخمینی، صحیفه نور، ج 1، ص 30¹

- همان، ج 4، ص 160²

« اگر شما اعتقاد به اسلام دارید و عقیده دارید- چنانچه دارید- و اعتقاد دارید که باید کشور با قدرت پیش برود و در این موضع در جنگ پیروز بشود، راه برای ابرقدرت‌ها بسته بشود و کشور ما قوی بشود، باید کوشش کنید در تأیید، نه کوشش کنید در انتقاد. انتقاد سالم باید بکنید، این هم در پیشرفت مسائل مؤثر است. انتقاد سالم و راهنمایی دولت در همه کارهایی که می‌خواهد انجام بدهد، اینها از اموری است که لازم است. اما اینکه خدای نخواست، یک وقت برای اینکه اثبات کنید مطلب خودتان را راجع به دولت، بخواهید کارشکنی بکنید، دولت را به شکست وادار کنید، ملت را تضعیف کنید، دولت را تضعیف کنید، اسلام را به شکست برسانید، این یک مطلبی است که الزاماً باید جلوش گرفته بشود و من امیدوارم این جور نباشد»³

البته این مطلب نیز نباید مغفول بماند که تقسیم بندی انتقاد به سازنده و مخرب، راهی برای فرار از انتقادات و نپذیرفتن نقایص باشد و به عنوان حربه ای برای مقابله با انتقادات دلسوزانه به کار گرفته شود. نکته ای که از نگاه موشکافانه رهبر انقلاب دور نمانده و ایشان در بیاناتی که در دیدار مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی ایراد فرمودند :

« آمدند مردم را به شهروند درجه‌ی یک و درجه‌ی دو تقسیم کردند، انتقادات را هم به مخرب و سازنده تقسیم کردند و این ضربه‌ی مهلکی به بخش عظیمی از جامعه زد و باعث شد که به نظر ما قشر خاصی در جامعه بتوانند حاکمیت و قدرت را در دست بگیرند. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا به نظر شما حذف انتقادات و خصوصاً منتقدان و تقسیم سؤالات به مخرب و سازنده، به انهدام نظام منجر نمی‌گردد؟ و اگر به این نوع تفکر و مطیع‌پروری اعتقاد ندارید، برای بهبود فضای نقادی و گسترش فرهنگ نقد چه کارهایی انجام داده‌اید یا می‌دهید؟... انتقاد معنایش چیست؟ انتقاد اگر معنایش عیبجویی است این نه چیز خوبی است نه خیلی هنر زیادی می‌خواهد نه خیلی اطلاعات می‌خواهد؛ بلکه انسان با بی‌اطلاعی، بهتر هم می‌تواند انتقاد کند؛... انتقاد به معنای عیبجویی، اصلاً هیچ لطفی ندارد. شما بنشین از بنده عیبجویی کن، من هم از شما عیبجویی کنم؛ چه فایده‌ای دارد؟ نقد، یعنی عیارسنجی؛ یعنی یک چیز خوب را آدم ببیند که خوب است، یک چیز بد را ببیند که بد است.»⁴

توجه به این مطلب لازم است که انسان موجودی است که در نهاد نخستین او، عشق به کمال و خوشبختی پی ریزی شده است و برای دستیابی به کمال از انگیزاننده‌ها و وادارنده‌های گوناگون کمک می‌گیرد و

- همان، ج 19، ص 398.³

- بیانات آیت الله خامنه‌ای در جمع مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی در 4/12/77.⁴

بازدارنده ها را به کنار می نهد تا زمینه رشد و بالندگی فردی و اجتماعی خویش را فراهم سازد. از جمله انگیزه هایی که در سیر تکامل انسانی و پیدایش حیات طیبه اجتماعی او، نقشی مهم و بنیادی دارد، مسأله «نقد و انتقاد» است.

نقد کردن و نقد پذیری، سرمایه ای ارزنده برای صلاح فرد و اصلاح اجتماع به شمار می رود. امام در نامه ای که از آن به «منشور برادری» یاد می شود ضمن تصریح به دو وجهی بودن انتقاد، به فواید مثبت آن نیز اشاره می کند:

« اگر آقایان از این دیدگاه که همه می خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی متفاوت نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است.»⁵

آیت الله خامنه ای نیز در بیان فواید نقد چنین فرمودند: گفتن، تذکر دادن، پرسیدن و نظارت - که از جمله کارهای مجلس شورای اسلامی است - یک حق مسلم است؛ ما در این تردیدی نداریم و معتقدیم که نقد منصفانه و پاسخگویی منصفانه به نقد، به تقویت دستگاه و نظام کمک می کند، لیکن این نباید با مناقشات و گفتگوها و بگومگوهای لفظی اشتباه شود.⁶

شناخت کاستیها و تلاش برای زدودن آنها، گامی است اساسی در رسیدن به رستگاری فردی و اجتماعی. پرده پوشی بر آنچه بوده و هست و و یا خود را به نادانی زدن، رویدادها را دگرگون نمی سازد. انسان خردمند، هماره در جست و جوی آن است که در مسیر تکاملی فردی و جمعی، آفتها، آسیبها، کم و کاستیها را بزدايد تا به درستی راه ببیماید. از این روی، در منطق فرزنانگان، نقد و انتقاد قدر و قداست ویژه ای دارد و یکی از برتریهای اخلاقی و اجتماعی مهم به شمار می رود.

روشن است اگر فرهنگ نقد کردن و نقد پذیرفتن، به درستی بیان شود و آداب نقد و ویژگیهای ناقدان و مرزهای روا و ناروای انتقاد به روشنی ترسیم گردد بسیاری از تنش ها و تشنج ها و کشمکش ها فروکش می کند و بسیاری از سستی ها و کاستی ها، زمینه ظهور نمی یابند.

- روح الله الموسوی الخمينی، صحیفه نور، ج 21، ص 179.⁵

- بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت در 83/6/4.⁶

اگر همگان به این باور برسند که بالندگی فردی و توسعه و پیشرفت اجتماعی آنان به وسیله نقد دلسوزان و انتقاد تیزبینان رشد و شتاب بیش تری می یابد و هیچ کس بی نیاز از یادآوری و انتقاد دیگران نیست، فضای جامعه دگرگون می شود و انتقادهای جای انتقام ها را می گیرند.

در چنین حال و وضعی، «اخوت دینی» و «الفت ایمانی» بر اساس «تعاون بر نیکی» و «تواصی به حق» و «دعوت به خیر» و «امر به معروف و نهی از منکر» خود را در تمام زوایا و شؤون جامعه دینی نشان می دهد و همگان خود را در دید و جلوه گاه پذیرش یادآوری های خیرخواهانه قرار می دهند و نقد را به عنوان «هدیه» و تحفه ای سودمند می پذیرند.

در این نوشتار، برآنیم: مقوله نقد و فرهنگ انتقاد را با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه ای به تصویر بکشیم و بر این باوریم: نگاه نقادانه و واقع بینانه امام و آیت الله خامنه ای به مسائل فردی و اجتماعی و تجربه عینی و عملی ایشان در رخدادهای سیاسی و اجتماعی، سرمایه ای گرانبه است که از آموزه های اسلام ناب محمدی(ص) الهام گرفته و می تواند بسیاری از گره های نابگشودنی را در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی گشوده و راه درمان و شیوه خردمندانه را پیش روی رهبران انقلاب اسلامی قرار دهد.

در اینجا لازم است به این مسأله اشاره کنیم که حق انتقاد، به عنوان یکی از جلوه های آزادی بیان، از حقوق مسلم و پذیرفته شده در جهان معاصر محسوب می شود. همچنان که در ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد⁷

این ماده از اعلامیه حقوق بشر می کوشد اهمیت و لزوم آزادی بیان و اظهار نظر و عقیده تک تک افراد جامعه را تبیین نماید و بدیهی است که ایجاد بستر و فضای نقادی و برخورداری از حق نقد از نمودهای عینی آزادی به شمار می رود.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی از اصول قانون اساسی نیز بر حق انتقاد تأکید شده و به عنوان یکی از نمودهای «امر به معروف و نهی از منکر» به شمار رفته است؛

- برگرفته از اعلامیه حقوق بشر که به وسیله دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در تهران ترجمه و در پایگاه اینترنتی آن موجود است.⁷

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنین آمده است: وسایل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند⁸

هنچنین قانون اساسی، در اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی را موظف می دارد تا در صدد تحقق برخی اهداف بر آید. برخی از این اهداف عبارتند از⁹:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

- تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

با توجه به آنچه در مقدمه قانون اساسی آمده است که بر ایجاد زمینه برای بهره گیری از اندیشه های متفاوت تأکید نموده است و نیز بر اساس مفاد اصل سوم که بر رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با مظاهر فساد و تباهی توجه دارد می توان نقد و انتقاد را در راستای تحقق چنین اهدافی در نظر گرفت. همچنین بالا بردن سطح آگاهی ها امری است که با یکسویه نگری و تنگ نظری و استبداد فکری، قابل دستیابی نمی باشد و آنچه که به تحقق چنین هدفی مدد می رساند مجال یافتن افکار متفاوت و امکان ابراز آنها و نهایتاً در مرحله بعدی، تأثیرپذیری از این آرا و نظرات و کاربردی کردن آنها می باشد و این توجه و اهتمام به اندیشه ها،

- حسین صادقی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با فهرست (قم، انتشارات حقوق اسلامی، چاپ سوم، 1386)، ص 18.⁸

- همان، ص 21-22⁹

روحیه جستجوگری و تتبع را تقویت خواهد نمود. از سوی دیگر میدان دادن به نظرات مقابل باعث فاصله گرفتن از انحصار طلبی و روحیه استبداد می شود و تأمین کننده آزادی های مدنی خواهد بود و موجب افزایش میزان مشارکت عامه در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش می گردد و اندیشه های مفید را به جای انداختن در ورطه انزوا به تیرهای تأثیرگذار در تصمیم سازی ها بدل خواهد نمود.

مطلبی که در اینجا نباید از نظر دور داشت اینکه در مقام نظر و گفتگو معمولا همه صاحب نظران و حکومت ها اصل انتقاد را می پذیرند و چه بسا در مقام تمجید از آن بر می آیند و عامه مردم را تشویق به انتقاد از خویش می نمایند اما در مقام عمل به همه ابعاد و زوایای آن پایبند نمی باشند. بلکه گاهی با تحریف در تعریف، محتوا و شرایط انتقاد به ترسیم قرائتی خاص از انتقاد می پردازند که در نتیجه بر آنچه حاصل می آید هیچ گاه نمی توان عنوان انتقاد گذاشت. گاه با افزودن قیدهایی بدان، در حقیقت آن را از حیز انتفاع خارج می نمایند و مانند آن شیر بی بال و دم و اشکمی می شود که هیچ بهره ای ندارد. لذا باید تلاش کنیم که ضمن تبیین حدود مجاز انتقاد سیاسی و ویژگی های نقد صحیح، گستره قلمرو انتقاد سیاسی را مشخص کنیم و در صورت امکان به گسترش دامنه انتقاد سیاسی از حیث کمی و کیفی نایل شویم.

در همین راستا، بایستی ارتباط عنصر عیب جویی با انتقاد مورد تبیین واقع گردد. ممکن است این تلقی در مورد انتقاد ایجاد شود که انتقاد در واقع همان عیب جویی است و مؤید آن این است زمانی که انتقاد در سطح جامعه صورت می گیرد و ما می خواهیم کسی را مورد نقد قرار دهیم تمام سعی خود را مصروف می داریم تا بار منفی آن را بکاهیم و چه بسا کار خود را با تمجید از وی آغاز نماییم. نکته قابل ذکر این است که معنای اصل انتقاد، عیب جویی نیست و هدف اصلی منتقد نیز عیب یابی نبوده است، بلکه معنای اصل انتقاد، ارزیابی و داوری است و این دو مستلزم اظهار نظر است. داوری نیز گاه مثبت است و گاهی منفی. بنابراین رد و انکار و خرده گیری همواره با انتقاد است هر چند انتقاد به این معنا نباشد. مطلب دیگری که عنوان کردنش در اینجا ضروری می باشد اینکه به طور معمول انتقاد آدمی را آزرده می سازد زیرا منتقد تصویری را که ما از خود فراهم آورده ایم ویران می سازد و واقعیت عریان را به گونه ای دیگر به ما نشان می دهد فقط انسان های وارسته از انتقاد رنجور و آزرده خاطر نمی گردند. به فرموده امام خمینی:

این همه برای این است که انسان خودش را نساخته، اگر انسان خودش را ساخته بود، هیچ بدش نمی آمد که یک رعیتی هم به او انتقاد کند، اصلاً بدش نمی آمد، از انتقاد بدش نمی آمد.¹⁰

بنابراین، در اصل نیاز جامعه و مدیران به نقد و بایستگی وجود نقادان تیزبین در اجتماع نمی توان تردید کرد، لکن این نیمی از کار است، نیم دیگر که کامل کننده این بخش است، مسأله نقدپذیری و به کار بستن نقد ناقدان است. باید توجه داشت که اگر نگاه صالحانه و همراه با رویکردی غنیمت جویانه نسبت به نقد در حاکمان اسلامی وجود داشته باشد وجود فضای نقادی و ابراز و انعکاس انتقادات می تواند کمک شایانی به بهبود وضعیت جامعه اسلامی و رفع مشکلات مختلف بنماید اما نگاه تاکتیکی به نقد و ایجاد یک فضای نمایشی انتقادی، نه به منظور شناسایی ضعفها و رفع آنها، بلکه برای شناسایی موارد تهدید کننده حیطه قدرت و سلطه و رفع آنها جهت تثبیت قدرت و نهایتاً اعمال سلطه بیشتر، کاملاً برخلاف حکمت انتقاد عمل خواهد کرد. این نگاه ابزاری نیز، می تواند برای شناسایی منتقدین به منظور حذف آنان یا حذف تأثیر آنان مورد استفاده حاکمان ناصالح قرار گیرد. القای وجود فضای آزاد و انتقادی و به حاشیه راندن منتقدین ناصح با ملاحظه فضای انتقادی (غیرواقعی و نمایشی) و تلقی اشباع در عرصه نقد، از دیگر ثمرات نامیمون چنین نگاه ابزاری به مسأله نقد و انتقاد سیاسی می باشد.

مفهوم انتقاد

جوهری در صحاح می گوید: انتقد الدرهم: «أخرج منها الزيف ... ناقده: ناقشه في الأمر¹¹؛ درهم های ناخالص را از مجموعه آن جدا کردن، انتقاد درهم هاست و نقد کسی، به معنای مناقشه کردن با او در باره چیزی است. فیروزآبادی می گوید: «ناقده: ناقشه»¹² و طریحی می نویسد: «انتقدت الدرهم: إذا أخرجت منها الزيف».¹³ این، همان سخن جوهری است.

در «منجد» آمده است: نقد نقداً و تنقاداً الدرهم و غیرها: میزها و نظرها لیعرف جیدها من ردیئها. و [نقد الکلام: أظهر ما به من العیوب و المحاسن ... و ناقده مناقده: ناقشه في الأمر ..¹⁴ نقد درهم، به این است که آنها را از هم جدا کرده و به دقت نگرسته تا خوب و پست آن از هم شناخته شوند. و نقد سخن، اظهار کردن عیب ها و محاسن آن است ...

- روح الله الموسوی الخمینی، صحیفه نور، ج 13، ص 198.¹⁰

- اسماعیل بن حماد جوهری، صحاح اللغة، ماده «ن ق د».¹¹

- محمد بن یعقوب فیروزآبادی، قاموس المحيط، ماده «ن ق د».¹²

- فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ماده «ن ق».¹³

- لويس معلوف، فرهنگ المنجد (عربی-فارسی)، ترجمه مصطفی رحیمی، ماده «ن ق د».¹⁴

از مجموع کلمات لغویان استفاده می شود که انتقاد حرکتی است اصلاح گرانه، با قصد پالایش و زنگارزدایی و نجات حقیقت چیزی از نفوذ باطل در حریم آن و برگرداندن طبیعت شخص و یا امری از آمیختگی به ناخالصی و غش، به سوی خلوص و فطرت ناب آن.

انتقاد در اصطلاح

انتقاد برای رفع بدیها، ناخالصیها و پلیدیها و شیء در محک قرار دادن می باشد منتقد در عرصه انتقاد در پی این است که سالم را از ناسالم تشخیص دهد. انتقاد، هم می تواند با هدف روشن نمودن حقایق و خوبیها سازنده و ارزشمند باشد و هم می تواند با هدف بزرگنمایی عیبها و پوشاندن خوبیها و هتک حرمت و توهین و افترا مبتنی بر شایعات، مخرب و ضد ارزشی باشد. سنجش و ارزیابی و بررسی، همراه با عدل و انصاف، در پدیده های اجتماعی و نگرش دوسویه به رفتارها و عملکردها، یعنی دیدن درد و ارائه ی درمان، با قصد پالایش و نجات حقیقت چیزی از نفوذ باطل و برگرداندن فرد یا امری از آمیختگی به ناخالصی و غش، به سوی خلوص و فطرت ناب، از مقومات نقد صحیح است. بنابر این نقد و انتقاد، حرکتی اصلاح گرانه است. هدف از انتقاد، پاره کردن و مثله کردن افکار دیگران و برهم زدن آرامش و امنیت جامعه و مردم نیست، بلکه هدف، ارج نهادن به کار مثبت دیگران و یادآوری رواها و نارواها در کنار هم است. از این رو، وجهه دیگران را خراب کردن و دامن زدن به تهمت ها و بدبینی ها و پدید آوردن جو بدبینی را نمی توان نقد و انتقاد دانست. زیرا عیب گرفتن آسان است، ولی بیان عیب به گونه ای که به اصلاح صاحب عیب انجامد، کاری است بزرگ و دشوار.

برای روشن شدن بیشتر معنا و مفهوم واژه های نقد و انتقاد به برخی از کاربردهای این واژه ها در کلام بزرگان اشاره می کنیم :

خواجه عبدالله انصاری می گوید: عیب از یار بیندازند، اما یار را به عیب نیندازند.¹⁵

و شهید مطهری در تعریف و تفسیر نقد و انتقاد، می نویسد: قوه نقادی و انتقاد کردن، به معنای عیب گرفتن نیست. معنای انتقاد، یک شیء را در محک قرار دادن و به وسیله محک زدن به آن، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است.¹⁶

- عبدالله انصاری، مجموعه رسائل، ج 1، ص 20.¹⁵
- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ص 285.¹⁶

ایشان در جای دیگر به این نکته اشاره می‌کند که در گذشته داد و ستد با نقره و سکه زده شده انجام می‌گرفت، کسانی بودند که سرب را به گونه‌ی پول رایج سکه زده و با پول‌های نقره می‌آمیختند. در کنار اینان افراد خبره و کارشناس، به عنوان صراف، در جامعه وجود داشتند که سکه شناس بودند و سکه‌های طلایی یا نقره‌ای خالص را از ناخالص جدا می‌کردند. بعدها این واژه در مورد کسی که افکار و عملکرد دیگران را بررسی می‌کرد و نقاط ضعف و کمال را می‌شناساند، به کار رفت.¹⁷

حضرت مسیح(ع) فرمود: خذوا الحق من اهل الباطل ولا تأخذوا الباطل من اهل الحق كونوا نقاد الكلام فكم من ضلالة زخرفت بأية من كتاب الله كما زخرف الدرهم من نحاس بالفضة المموهه، النظر الى ذلك سواء والبصراء خبراء.¹⁸

«حق و حقیقت را هر کجا و از هر کس یافتید بپذیرید گرچه از اهل باطل باشد و باطل را اگرچه از زبان اهل حق باشد نپذیرید. هماره سخنان را مورد نقد قرار دهید. زیرا چه بسا گمراهی به وسیله‌ی آیه‌ای از کتاب خدا آراسته شده باشد، مانند آمیختن درهمی از مس با نقره، و انسان را بفریبید و به اشتباه افکند. از این رو، در نگاه نخست درهم خالص و ناخالص، یکی می‌نماید و کارشناسان تیزهوش می‌توانند سره از ناسره‌ی آن را بازشناسند.»

در این تعلیم حکیمانه، مفهوم انتقاد و جایگاه نقادان آگاه در جامعه و بایستگی آن، به روشنی بیان شده است. یعنی کورکورانه تسلیم نشوید؛ خواه گوینده صالح باشد و خواه ناصالح. در مورد اصحاب کهف نیز آمده که آنان صراف بودند البته نه صراف طلا و نقره، بلکه «کانوا صیرافه الکلام»؛ صراف سخن بوده‌اند یعنی مردمان حکیمی بوده‌اند. وقتی سخنی به آنها عرضه می‌شد آن را با نقادی می‌سنجیدند.

تردید نیست که نقد سخن و عملکرد، به عنوان عاملی اصلاحی و پیش برنده و بالنده، به برنامه‌ریزان، سیاست گزاران، مدیران و مجریان، مجال بازنگری، وسعت دید و واقع نگری همراه با در نظر گرفتن افکار عمومی را می‌بخشد و جلوی بسیاری از مخارج و کارهای بیهوده، ریزش‌ها، دوباره کاری‌ها، اسراف‌ها و تک روی‌ها را می‌گیرد. در نتیجه طرح‌های علمی و عملی را در راستای بهره‌مندی بهتر و بیشتر قرار می‌دهد و از اتراف‌ها و ریخت و پاش‌های حاشیه‌ای و جانبی جلوگیری می‌کند.

بنابراین می‌توان انتقاد سیاسی را چنین تعریف کرد: انتقاد سیاسی عبارت است از ارزیابی اقوال، افعال و تصمیمات حاکمان در عرصه حاکمیت و انعکاس میزان قوت و ضعف آن.

- مرتضی مطهری، انسان کامل، ص 194. 17

- محمد بن الحسن الحر العاملی، اثبات الهداء، ج 1، ص 71. 18

در اینجا لازم است به این نکته اشاره کنیم که پذیرش نقد، نه تنها چیزی از بزرگواری و شخصیت سیاسی و اجتماعی انسان نمی کاهد، بلکه می توان گفت: روشن ترین گواه بر شخصیت و کمال آدمی است. به گفته امام خمینی: اگر یک چیزی را دیدید که واقعاً خلاف کردید، اعتراف کنید و این اعتراف شما را در نظر ملتها بزرگ می کند، نه این که اعتراف به خطا شما را کوچک می کند.¹⁹

تلخی نخستین نقد و انتقاد، با دستاوردهای شیرین آن از میان می رود. پیامدهای سازنده و سودمند نقد، سبب می شود که آدمی همواره خود را در دید نقد دیگران بگذارد و هیچ گاه کارکرد خویش را از آن بی نیاز نداند. آیت الله خامنه ای ضمن توصیه قوا و دستگاههای حکومتی به ضرورت پذیرش نقد بر لزوم اصلاح امور با توجه نظراتی که ارائه می شود تأکید دارند:

«هیچ دستگاهی نباید خود را از انتقاد و نقد مصون و از عیب خالی بداند؛ همه ی دستگاه های کشور باید مورد نقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چهارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه ی قضاییه و سایر دستگاه هایی که در کشور هستند و مسؤولیت های مهمی بر دوش آنهاست، همه مشمول این قاعده ی کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخگویی. این، معنای حقیقی اصلاح نظام مورد نظر اسلام است، که «ان ارید الاّ الاصلاح ما استطعت»؛ پیغمبران این را می فرمودند. همه ی کار پیغمبران عبارت بود از این که تا می توانند اصلاح کنند؛ یعنی فساد را در کشور از بین ببرند؛ این معنای اصلاح واقعی است. پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد»²⁰

تحمل نقد از جمله نکاتی است که در توصیه های آیت الله خامنه ای به مسؤولین بر آن تأکید شده است:

« برای شنیدن نقد، سینه ی گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشید. هیچ ضرر نمیکند از اینکه از شما انتقاد کنند. البته این انتقادهائی که میشود همه یک جور نیست. بعضی ها به قصد اصلاح نیست بلکه به قصد تخریب است؛ داریم می بینیم دیگر؛ هم از مجموعه مطبوعات خودمان، هم پشتهای آنها. دهها رادیو و تلویزیون بیگانه و رسانه ی عمومی و بین المللی در اختیار حرفها و افکاری هست که بنایش بر تخریب است؛ یعنی هیچ بنای اصلاح ندارند. آنچه که نقل میکنند و ذکر میکنند برای تخریب است. لذاست که واقعیت و غیر واقعیت و خلاف واقع و ضد واقع، همه چیز تویش است. گاهی یک چیز کوچک را بزرگ میکنند، گاهی یک چیزی که نبوده، به عنوان یک حقیقت مسلم جلوه میدهند. اینها البته هست. این، تخریب است. لیکن در کنار اینها، نقد هم وجود دارد؛ نقدهای مصلحانه، خیرخواهانه. گاهی از سوی دوستان شماسست، گاهی حتی از سوی کسانی است که دوست شما و طرفدار شما هم نیستند؛ گاهی اینجوری است. به انسان یک نقدی میشود؛ عیبجویی ای از انسان میشود انتقادی میشود که آن طرف هم

- روح الله الموسوی الخمینی، صحیفه نور، ج 14، ص 93.¹⁹

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی مشهد مقدس 83/1/2.²⁰

دوست آدم نیست که آدم به اعتماد دوستی او بخواهد بگوید که خوب، ما گوش میکنیم. نه، دوست هم نیست، اما دشمن هم نیست؛ دشمنی اش هم ثابت نشده. لیکن نقد است؛ انتقاد است، آن را هم حتی باید گوش کرد. شاید در خلال این نقدها حرفی وجود داشته باشد که به درد ما بخورد و باید به هر حال با سعه صدر برخورد بشود.

این چند سال، خیلی اهانتها به شما شد کینه‌توزی شد اهانت شد اینها را تحمل کردید این تحملها هم پیش خدای متعال اجر دارد. لیکن این موجب نشود که حالا ما سینه‌مان تنگ بشود، بگوئیم ما دیگر انتقاد را گوش نمیکنیم یا اگر کسی اندک انتقادی در فلان گوشه از ما کرد این را حمل بر دشمنی بکنیم؛ نه، نخیر؛ انتقاد را گوش کنیم؛ انتقاد خوب است. همین طور که گفته شده، این یک هدیه‌ای است که به انسان داده میشود؛ نقدهای غیر مغرضانه‌ی بخصوص برخی نخبگان»²¹

مفهوم حکومت اسلامی

درباره حکومت اسلامی بحثهای نظری زیادی صورت گرفته است. امام خمینی با تلاش بی مانند خود، ضمن روشنگری مشروعیت حکومت اسلامی و ثابت کردن این که حقیقت دین، جز با اجرای حکومت دینی غیر قابل نمود و ظهور است، حکومت دینی را از جهان آرمانی به عینیت جامعه آورد و بار دیگر، مدینه آرمانی اسلام، در برگیرنده شهر عقل و شهر عدل و شهر عشق، امکان ظهور و نمود یافت و توجه مسلمانان از الگوهای مهلک غرب و شرق و زندگیهای ماشینی و مصرفی به سمت اسلام و نظام اسلامی مصروف شد. البته باید توجه نمود که حکومت اسلامی، امر نوظهوری نیست و در زمان پیامبر اسلام (ص) و علی (ع) تجربه شده است. شیعه که خاطره نظام عدل را هرگز از یاد نبرده بود با اعتقاد راسخ به غیبت ولی الله الاعظم (عج)، در طول بیش از ده قرن، این خاطره را دنبال کرد و برای تبیین مبانی آن در عصر غیبت، سختیها کشید و در قالب گزاره ها و مقوله های کلامی چون: مسأله ولایت، خلافت و غیبت امام و مقوله های فقهی، چون: دولت ستم، پذیرش ولایت از سوی ستمکار، دولت عدل و ولایت فقیه، به بحث و مذاقه در آن زمینه نشست، فقیهان برجسته ای از جمله مقدس اردبیلی و شیخ جعفر کاشف الغطا و ملا احمد نراقی در سده های اخیر آن را در آثار خود مطرح کردند و امام خمینی آن را به کمال رساند.

اهمیت بحث حکومت اسلامی برای اهل سنت، نیز کم تر از شیعه نبود. در طلایع قرن حاضر، هر چند اندیشه ورزانی چون: رفاعة رافع الطهطاوی، یعقوب صنوع، شبلی شمیل و طه حسین، لب به ستایش تمدن غرب و دموکراسی حاکم بر آن گشودند ولی تحت تاثیر اندیشه ها و آموزه های

- بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت در 18/6/88. 21

سید جمال الدین اسدآبادی، فکر دینی در جهان عرب و میان روشنفکران اهل سنت احیا شد و شیخ محمد عبده، شاگرد نامدار سید، فکر دینی را در چارچوب گرایش به اصلاح اجتماعی مجسم ساخت و به دنباله او، عبدالرحمن کواکبی، دو کتاب؛ «طبایع الاستبداد» و «ام القری» را نوشت. او با کتاب اولی، استبداد عثمانی را رسوا کرد؛ مسأله ای که برای روشنفکران و نویسندگان قرن 19، فوری ترین مسأله سیاسی بود و با نوشتن ام القری، به ریشه یابی ناتوانی و درماندگی مسلمانان و راههای از بین بردن آن پرداخت.

بر آیند این حرکت‌های فکری، شخصیتی چون محمد رشید رضا بود که در جهان اسلام سنی، آرای خود را درباره حکومت اسلامی، با نظم، روشن و با شجاعت بیان کرد، محمد رشید رضا، با نوشتن کتاب «الخلافه والامه العظمی» تفسیر بی طرفانه ای از فروپاشی خلافت عثمانی و تاسیس آرای نوین حکومت اسلامی ارائه داد و بعد از او نهضت اخوان المسلمین که در سال 1928 میلادی در مصر به دست حسن البنا تاسیس شد جهان اسلام را به صورت گسترده ای به حکومت اسلامی دعوت کرد ولی سرکوبی آنها به دست رژیم‌های عرب و خط مشی محافظه کارانه رهبران آن در قبال قدرت سیاسی حاکم، از کشش و جاذبه آن کاست.

پیدایش انقلاب مشروطیت در ایران، بار دیگر توجه اندیشه ورزان ایرانی، بویژه علمای برجسته را به مسأله حکومت و نظام حکومتی اسلام، جلب کرد. از آن میان، میرزا محمد حسین نایینی، شاگرد میرزای شیرازی، کتاب ارزشمند «تنبيه الامه و تنزیه المله» را به منظور توجیه شرعی حکومت مشروطه، به رشته تحریر درآورد. در این نوشته، وجوهی از حکومت اسلامی که نایینی از آن به «سلطنت اسلامی»²² تعبیر می کند بیان شده است. از نظر او حکومت در اسلام عبارت است از: امانت داری نوع و ولایت بر نظم و حفظ و اقامه سایر وظیفه ها و سیاستها و به منزله شبانی گله است.²³ بنابراین، حکومت اسلامی (شورایی) و (عمومی) است نه استبدادی و نیز ماهیت حکومت اسلامی، نه تنها (ولایت بر سیاست امور امت) است بلکه بنیاد آن به مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت و بر مشورت با عقلایی است²⁴ که عبارت از شورای عمومی²⁵ ملی است و آزادی²⁶ و مساوات همه آحاد امت²⁷ از اصول دیگر آن شمرده می شوند.

- محمد حسین نایینی، تنبيه الامه و تنزیه المله؛ با مقدمه سید محمود طالقانی، ص 17. 22.

- همان، ص 43. 23.

- همان، صص 51-52. 24.

- همان، ص 53. 25.

- همان، ص 49. 26.

- همان، ص 32. 27.

امام خمینی بحث از حکومت اسلامی را دنبال کرد با این تفاوت که امام، ولایت فقیه را از مباحث فقهی بیرون آورد و آن را در جایگاه اصلی خود، یعنی علم کلام قرار داد. امام روشن کرد که ولایت فقیه در تفکر کلامی شیعه، دنباله امامت است و بحث امامت و ولایت، از اصول عقاید امامیه شمرده می شود؛ از این روی نمی تواند داخل مباحث فرعی فقهی باشد، هر چند تکلیفی بودن پذیرش ولایت فقیه، برای همه مؤمنان، آن را از احکام تکلیفی و داخل مباحث فقهی نیز قرار می دهد و می تواند در فقه نیز، به این اعتبار مورد گفت و گو قرار گیرد. به دیگر سخن، ولایت فقیه به لحاظ جنبه فعل الهی بودن، یک بحث کلامی است و به لحاظ جنبه فعل تکلیفی بودن، یک بحث فقهی شمرده می شود.

امام، مستقیم به سراغ دیدگاه کلامی و فقهی شیعه در زمینه حکومت رفت و از توجیه شرعی نظامهای موجود پرهیز نمود. وی در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، تنها کسی است که با واقع گرایی حیرت انگیز و حلم و حکمت بی مانندش، توانست هزاران بازدارنده را با استمداد از امدادهای غیبی، از جلوی راه حرکت بردارد و پایه های حرکت و حکومت و حکم اسلامی را براساس آنچه در کتاب و سنت تبیین شده است و نیازهای تاریخی و اجتماعی، ایجاد می کند، بریزد. امام توانست حق بودن اصول پایه نظام را اثبات کرده و در عرصه ظهور مدینه ها، آرمان شهر اسلام را با بنیان گذاردن دولت اسلامی، عینیت بخشد و حکمت عملی اسلام را در عمل مجسم کند.

ایشان در سه مرحله آرمان حاکمیت دین را از ذهنیت به عینیت دگرگون کرد. در مرحله نخست، با نوشتن کتاب «ولایت فقیه» و بخشهایی از کتابهای: «البیع» و «المکاسب المحرمه»، مبانی استدلالی یکی از اساسی ترین مباحث کلام و فقه سیاسی شیعه؛ یعنی ولایت فقیه در عصر غیبت و چگونگی ستیز و در افتادن با ولایت ستم و قلمرو اختیار ولی فقیه در نظام سیاسی اسلام را پیش کشید و با این عمل خود مشروعیت حکومت اسلامی را ثابت کرد.

در مرحله دوم که از سال 1357 تا آخر حیات ایشان ادامه یافت، معماری این بنای سترگ و بی مانند را در عینیت جامعه به عهده گرفت و امکان عینی و عملی آن را در گستره حیات اجتماعی به نمایش گذاشت و به پاسخ شبهه ها و نکته های پیچیده اهتمام ورزید که در طول مسیر پر پیچ و خم انقلاب، تک تک مردم جامعه با آن رو در رو می شوند.

در مرحله سوم، با نوشتن وصیت نامه سیاسی - الهی، به عنوان آخرین پیام ماندگار، چگونگی ادامه راه و به پیش بردن حکومت اسلامی و چگونگی نگهبانی و پاسداری از آن را روشن کرد:

الف. دور نمای حکومت اسلامی در اندیشه امام: ما پس از نهضت 15 خرداد 1342 با مفهوم حکومت اسلامی به گونه روشن (که البته امام پیش از آن در کتابها و آثار دیگرشان به طور فشرده به این مسأله پرداخته بوده) و چگونگی آن در بنان و بیان امام آشنا می شویم.

امام پس از آزادی از زندان در 25 اردیبهشت 1343، در سخنانی، از قدرت شگفت آور اسلام، سخن به میان آورد و حکومت‌های اسلامی روی کارآمده در تاریخ، به جز، یکی - دو تای آنها را غیر عامل به احکام اسلام دانست²⁸ و یادآور شد: اسلام می خواهد مسلمانان بر همه مقدرات عالم حکومت کنند.²⁹

امام، اسلام را برای هدایت جامعه بشری و به دست گرفتن زمام امور توانا خواند و در 18 شهریور همان سال، گفت: اگر بنا شد حکومت، اسلامی باشد، اگر بنا شد دیانت اسلام حکومت کند، تمام ثغور حفظ می شود.³⁰

گسترده ترین بحث امام درباره حکومت اسلامی، به سال 1348 بر می گردد که در سیزده جلسه، از تاریخ 1348/11/1 تا 11/20 همان سال، در ایام اقامت در نجف اشرف، درباره مبانی کلامی و فقهی حکومت اسلامی، سخن گفت و مجموعه ویرایش یافته این گفتارها، در پاییز 1349، با عنوان: ولایت فقیه، در بیروت چاپ و به کشورهای گوناگون، از جمله ایران فرستاده شد.

امام در این کتاب، توجه همه مبارزان مسلمان را به کج اندیشی و تبلیغات خائنانه استعمارگران که می گفتند: (اسلام حکومتی ندارد، تشکیلات حکومتی ندارد) فراخواند و گفت: از بزرگ ترین تأسیسهای سیاسی و حقوقی اسلام، حکومت است و باید ضرورت تشکیل آن را باور داشته باشیم و کوشش کنیم که دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود.³¹

امام مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی را لازمه اعتقاد به ولایت دانست، بویژه ولایت در امر حکومت و جنبه های سیاسی آن را مورد بررسی قرار داد و به علمای آن عصر یادآور شد: شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید. اعتماد به نفس داشته باشید و بدانید که از عهده این کار بر می آید.³² به یاران خود سفارش کرد تا از صفر شروع کنند و از جنجال چند نفر غرب زده و سرسپرده نوکرهای استعمار، هراس به خود راه ندهند.³³

- روح الله الموسوی الخمینی، صحیفه نور، ج 1، ص 73. ²⁸

- همان. ²⁹

- همان، ج 1، ص 90. ³⁰

- همان، ولایت فقیه، صص 14 و 15. ³¹

- همان. ³²

- همان، ص 16. ³³

امام جدایی دیانت از سیاست را ساخته و پرداخته استعمارگران شمرد و هشیارانه می گفت: آنها این تفکر را ترویج می کنند تا دین را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند و در ضمن، علمای اسلام را از مردم و مبارزان راه آزادی و استقلال جدا کنند.³⁴

به نظر امام، این القاء ها، تلقینها و به ذهن خواندن، در ایجاد زمینه لازم برای جدایی دین از سیاست، حتی در حوزه های علمیه نیز اثر کرده بود، به گونه ای که اگر کسی می خواست درباره حکومت اسلامی سخن بگوید، باید تقیه می کرد. منظور اصلی استعمارگران از جدایی دین و سیاست، چیرگی بر منابع اقتصادی و به دست گرفتن امور مالی آنها بود.

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه، دلیلهایی را برای ثابت کردن مشروعیت و بایستگی عقلانی حکومت اسلامی آورده و به این منظور از شواهد تاریخی و نشانه های عقلی زیادی کمک گرفته که مهم ترین آنها عبارتند از این سه دلیل:

1. عمل پیامبر(ص) در تشکیل حکومت.
2. بایستگی استمرار اجرای احکام الهی و ویژه نبودن آن به عصر پیامبر اکرم(ص).

3. بررسی ماهیت و کیفیت قانونهای اسلام به خوبی نشان می دهد که این قانونها برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح شده اند.³⁵

امام از احکام مالی، احکام دفاع ملی، احکام احقاق حقوق و احکام جزایی اسلام سخن به میان می آورد و نمونه هایی ارائه می دهد که همگی از جامع بودن و حکومت گرایی اسلام حکایت می کنند و خاطر نشان می سازد: وجود مجموعه قانونها برای اصلاح جامعه کافی نیست و به قوه اجرایی احتیاج دارد. به همین دلیل،(خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است).³⁶ غیر از دلیلهای یاد شده در کتاب البیع، به دو دلیل دیگر بر می خوریم که برای بیان ضرورت و مشروعیت حکومت اسلامی عرضه شده اند:

4. هیچ یک از مجموعه احکام اسلامی: سیاسی، مالی و حقوقی نسخ نشده اند و تا روز قیامت پایدار و پابرجا خواهند بود.

همین ماندگاری احکام، ناگزیر خواهان و خواستار حکومت و ولایتی است که اجرا و نگهداری و پاسداری از آنها را به عهده بگیرد. اجرای احکام، بدون حکومت امکان ندارد؛ چرا که سبب هرج

- همان. 34

- همان، ص 20. 35

- همان، ص 17. 36

و مرج می شود. جدای از این دلیل، حفظ نظام اسلامی و حفظ مرزها از تهاجم و تجاوز تجاوزگران نیز، از امور لازمی است که بدون تشکیل حکومت امکان ندارد.³⁷

5. امام از روایاتی که پاره ای از آنها را دلیل بر نفوذ فتوا یا قضاوت فقها می داند، مشروعیت حکومت اسلامی را استنباط می کند و بر این باور است: مفاهیم بیش تر این روایات، بیانگر نیابت ولایی، در قلمرو گسترده اند.

امام، با بهره گیری از تعبیراتی چون: (الفقهاء امناء الرسل)³⁸، (اللهم ارحم خلفائی)³⁹، (الفقهاء حصون الاسلام)⁴⁰ (انی قد جعلته علیکم حکما)⁴¹ و (ان العلماء ورثة الانبیا)⁴² که در روایات آمده اند، بایستگی ولایت فقیه در سطح اداره جامعه و سرپرستی حکومت را روا می شمارد. امام در کتاب البیع می نویسد:

«اسلام، همان حکومت است در همه شؤون آن و احکام شرعی قوانین اسلام هستند و احکام جلوه ای از جلوه های حکومت و حتی مطلوبهای بالفرض هستند و از وسایلی هستند که در جهت اجرای حکومت و بسط عدالت به کار گرفته می شوند. پس این که فقیه دژ اسلام است معنایی ندارد جز این که او سرپرست اسلام است، همچنان که پیامبر(ص) و ائمه(ع) سرپرست اسلام بوده اند در همه امور حکومتی.»⁴³

امام در ولایت فقیه، پس از بیان مستدل درباره بایستگی حکومت اسلامی، به پیشینه تاریخی انحراف از این اصل که به عصر بنی امیه باز می گردد و در دوران بنی عباس ادامه می یابد، اشاره می کند و یادآور می شود: روش آنها در حکومت، روشی ضد اسلامی و به صورت نظامهای حاکم بر ایران، روم و مصر بود و در دورانهای بعد نیز، همان اشکال غیر اسلامی ادامه یافت. امام تأکید می کند: عقل و شرع بر قیام برای دگرگون کردن چنین حکومتی حکم می کنند. در انقلاب سیاسی می باید، تا افزون بر پیش گیری از حکومت طاغوت، زمینه را برای حکومت اسلامی پدید آورد. امام در بخشی از کتاب ولایت فقیه، فرق بین حکومت اسلامی با دیگر حکومتها را برشمرده است و حکومت اسلامی را مشروط به قانونهای اسلام می داند و وظیفه قوه مقننه و مجالس قانونگذاری، برنامه ریزی برای وزارتخانه های گوناگون و تشکیلات حکومت در چهارچوب احکام

- همان، کتاب البیع، ج 2، ص 461.³⁷

- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج 1، ص 46.³⁸

- محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 18، ص 65.³⁹

- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج 1، ص 38.⁴⁰

- محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 18، ص 99.⁴¹

- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج 1، ص 34.⁴²

- روح الله الموسوی الخمینی، کتاب البیع، ج 2، ص 473.⁴³

اسلامی است و در ویژگیهای زمامدار و رهبری، افزون بر ویژگیهای عامه: عدل و تدبیر، علم به قانون و عدالت را نیز از ویژگیهای بایسته می شمارد. قلمرو کاری و حوزه اختیار ولی فقیه: مهم ترین بخش دیدگاه امام خمینی در موضوع حکومت، آن بخشی است که به روشنگری حوزه اختیار ولی فقیه می پردازد و احکام حکومتی بر اساس مصلحت را بر احکام اولیه و ثانویه، در هنگام برخوردها و ناسازگاریها پیش می دارد.

ایشان حوزه اختیار ولی فقیه را بسان حوزه اختیار پیامبر(ص) و ائمه(ع)، گسترده می داند و می نویسند:

«برای فقیه همه آنچه برای معصوم ثابت بوده، ثابت است، مگر آن که دلیل قائم شود که اختیارات آنها از جهت ولایت و سلطنت آنها نیست، بلکه مربوط به جهات شخصی آنان و به جهت شرافت آنان بوده است و یا آن که اگر چه دلیل دلالت می کند که فلان اختیار از جهت شوون حکومتی برای معصوم ثابت است، اما با این حال اختصاص به امام معصوم دارد و از آن، نقدی نمی شود همان طور که این مطلب در جهاد غیر دفاعی مشهور است، گرچه در آن نیز، بحث و تامل راه دارد و امکان تسری آن به غیر معصوم هست.»⁴⁴

باری امام فرق نهادن بین حکومت رسول الله و ولی فقیه را، ناخردمندانه می داند؛⁴⁵ زیرا ولایت فقیه، بی گمان شعبه ای از ولایت رسول خداست.

- همان، ص 496. 44.

- همان، ص 467. 45.

